

متهم به قتل پدر در گفت و گو با تپش؛

## پدرم با تحقیرهایش از من قاتل ساخت



عکس تزیینی است

سعید ۴۵ ساله به اتهام قتل پدرش بازداشت شده است. اودرجریان درگیری خونین، پدرش را اولین روزآبان امسال در دامداری شان در اطراف شهر ری زخمی کرد و متواری شد. مرد ۷۰ ساله بعد از دو هفته بستری در بیمارستان فوت شد و سعید به اتهام قتل عمد تحت تعقیب قرار گرفت تا این که رد او در یک کمپ به دست آمد و از سوی ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران بازداشت شد. متهم اعتراف کرده بود که با انگیزه سرقت وارد دامداری پدرش شده که او سررسیده و همین باعث درگیری آنها و در ادامه این جنایت شده است. این هفته رودرروی این قاتل نشستیم و از انگیزه اش برای قتل پدرش پرسیدیم.

### • اعتیاد داری؟

بله. ۲۵ سال است معتادم و هر چه فکرش را کنید مصرف کردم. عامل همه بدبختی هایم پدرم بود.

### • چرا درس نخواندی؟

پدرم میان من و بقیه برادرانم فرق می گذاشت. بهای زیادی به آنها می داد، اجازه داد خوب درس بخوانند، دکتر و مهندس شوند، ازدواج کنند و صاحب فرزند شوند. چون پسر شیطانی بودم و اذیتش می کردم، زیاد مرادوست نداشت. اجازه نداد درس بخوانم و به آرزویم که بازیگری بود برسم. به خاطر سخت گیری های پدرم تا سیکل بیشتر درس نخواندم. مجبور شدم در دامداری اش کار کنم و مزد کمی به من می داد. شاید اگر میان من و برادرانم فرق نمی گذاشت من درس می خواندم، آدم درستی می شدم، ازدواج می کردم، زندگی و شاید هم فرزندی داشتم. نه یک معتاد سارق شوم. رفتارهای پدرم باعث شد ۲۵ سال از زندگی ام با بدبختی طی شود.

### • هزینه اعتیاد چطور تامین می شد؟

گاهی با زور و تهدید از مادر پول می گرفتم، گاهی نیز با سرقت و فروش اموال خانه، پول مواد را جور می کردم.

### • از دامداری چطور؟

از دامداری پدرم چند بار وسایلی سرقت کرده و فروختم و مواد خریدم. یکی از برادرانم سر همین موضوع با من درگیر شد که با چاقو او را آتقدر زدم که تا یک قدمی مرگ رفت. مدتی در بازداشت بودم که رضایت داد و آزاد شدم.

### • بعد از آزادی کجا رفتی؟

دوباره نزد پدرم بازگشتم و در دامداری اش مشغول به کار شدم. مدام تحقیرم می کرد که چرا مثل بقیه برادرانم آدم درستی نشدم و این همه عذابش می دهم و اعتیادم را ترک نمی کنم. با حرف هایش عقده های گذشته دوباره باز شد. دوباره تشنه انتقام از او شدم. حتی برای ضربه زدن به پدرم مدام از دامداری سرقت می کردم.

### • امروز قتل بگو.

بابت این سرقت ها چند هفته ای پدرم مرا به دامداری راه نمی داد، پول هایم تمام شده و هزینه مصرف مواد زیاد شده بود. حوالی دامداری پرسه زدم عصر که شد دیدم کارگرش برای خرید نان از آنجا بیرون رفت و در کامل بسته نشد. با کیسه ای که همراهم بود وارد دامداری شدم. این بار وسایل دستگاه شیردوشی را سرقت کردم و همه را داخل گونی ریختم. داشتم فرار می کردم که پدرم مقابلم ظاهر شد.

### • بعد چه شد؟

تهدیدم کرد که باید وسایل سرقتی را به او پس دهم در غیر این صورت از من شکایت می کند. همان موقع مشاجره مان بالا گرفت و گفتم این اموال سهم و حق من است و حاضر به پس دادن آن نشدم و گفتم تو عامل همه بدبختی هایم هستی. عقده این همه سال از او در وجودم مانده بود. یک چوبدستی برداشتم، پر از عقده و کینه بودم. با چوبدستی پنج ضربه به سرش زدم

شدم و آنجا ماندم. بعد ماموران مرا در آنجا شناسایی و بازداشت کردند. فهمیدم پدرم بعد از دو هفته بستری در بیمارستان فوت شده است.

### • پشیمانی؟

نه، حقش بود بمیرد. ۲۵ سال زندگی ام را نابود کرد و به آرزوهایم نرسیدم. با تحقیرها و تفاوت گذاشتن هایش میان من و برادرانم این بلا را سرم آورد که قاتل جاننش شدم.

که خون از سرش جاری شد و کف دامداری افتاد. من فقط نگاهش می کردم. ترسیدم کارگرش سر برسد که او را رها و با کیسه اموال سرقتی فرار کردم.

### • بعد از فرار کجا رفتی؟

چند ساعتی در خیابان سرگردان بودم، ارتباطم را با خانواده ام قطع کردم. بعد رفتم قلعه گبری که پاتوق معتادان و کارتن خواب ها بود، آنجا اموال سرقتی را فروختم و خرج مواد کردم. بعد از آن راهی کمپ

## چرا پدرش را کشت؟



دکتر میرحامد خانی  
جرم شناس و استاد  
دانشگاه

بزند و از آنها انتقام بگیرد. گاهی این انتقام را در دعوا با اعضای خانواده و آسیب جسمی به آنها می گیرد. گاهی فرد بزهکار پا را فراتر گذاشته و اموال خانواده را به سرقت می برد تا به آنها اثبات کند حالا که او را از خانواده طرد کرده و نگذاشته اند که وی به اهدافش برسد با سرقت اموال و آسیب و ضربه مالی به آنها می خواهد نشان دهد، هنوز با توجه به طرد شدن قدرت هر کار و اقدامی را دارد. مثلاً در همین پرونده قتل، مرد میانسال گمان می کند پدرش عامل اصلی همه بدبختی های او بوده به همین خاطر درصدد انتقام و ضربه زدن به وی بوده که هر بار نزد او رفته، اموال دامداری را سرقت و با فروش آن پول به دست آمده را هزینه اعتیادش کرده است. باید گفت جایگاه خانواده در بروز بزهکاری فرد تاثیر دارد. اگر ارتباط خوبی میان اعضای یک خانواده باشد، والدین همه جور به نیازهای فرزندان خود رسیدگی کنند و به آنها اعتماد داشته باشند، فرزندان شان کمتر به سمت و سوی بزهکاری و اعتیاد می روند. پس ضروری است روابط خانوادگی استحکام بیشتری داشته باشد تا باعث بروز این گونه ناهنجاری های اجتماعی نشود.

از منظر جرم شناسی مبحثی داریم به نام تکوین جرم، یعنی مرحله ای که یک فرد آن را پیش می گیرد و سمت بزهکاری می رود که این تکوین اندیشه ارتکاب بزه، قصد ارتکاب آن، وسایل ارتکاب و شروع ارتکاب بزه را در بر می گیرد. تکوین جرم در جرایم هیجانی و لحظه ای وجود ندارد بلکه زمینه بزهکاری باید فراهم شود تا رفته رفته جرم شکل بگیرد. در این پرونده شاهد هستیم که اعتیاد فرد زمینه سازی بزهکاری او در جنایت شده است. او وقتی از خانواده اش طرد می شود، برای این که خودش را به آنها نشان دهد به سمت ناهنجاری های مختلف می رود. بنابراین برای این که خود را نشان دهد دست به اقدام های ضد اجتماعی می زند. مثلاً رویه سرقت می آورد و اقدام به از بین بردن، تلف کردن یا خسارت زدن به اموال می کند. چون متهم، خانواده را مقصر همه بدبختی های خود می دیده و به سمت و سویی می رود که به اعضای خانواده بیشتر ضربه